# 22- اصالة کون الخطابات الشرعیه، الهیّة لا ولائیّه

احکام از ناحیه منشأ جعل به دو قسم الهی و ولائی تقسیم می‌شوند.

احکام الهی: احکامی که از ناحیه شارع مقدس وضع شده‌اند.

احکام ولائی: احکامی که از ناحیه حاکم و ولی امر با توجه به اختیاراتی که شارع مقدس به او داده، وضع شده است.

بنابراین اگر در خطاب شرعی در الهی یا ولائی بودن آن شک شود و دلیلی بر ولائی بودن آن محرز نباشد، اصل بر الهی بودن آن است و این اصل یکی از پشتوانه‌های اجتهاد متداول است.

## ادلّه

1. فضا و سیاق صدور روایات
2. ارتکاز و برداشت سائلین و مخاطبین
3. روایات دالّه بر این موضوع

# 23- الأصل فی الأحادیث الفقهیة أنّها جاریة مجری النصوص القانونیّة و بعیدة عن التعویلات و البطون و الإستعارات و المجازات

بنا بر قاعده اصولی –اصول لفظیه- هرگاه شک در ظهور خطابی شود، اصل ظهور آن است و این اصل (اصالة الظهور) علاوه بر اینکه در متون و نصوص جریان دارد، در روایات فقهیه نیز حاکم است.

با نگاه اجمالی به نوشته‌ها درمی‌یابیم سه نوع نگارش کلی موجود است:

1. **نگارش ادبی:** این نوع از نگارش عمدتاً در فضای ادبی ارائه‌شده و با اندک قرینه‌ای، بطن و درون‌مایه آن قابل‌کشف است. علی الأصول این نوع از نوشتار محطّ فنون ادبی ازجمله مجاز و استعاره است.
2. **نگارش علمی:** این نوع از نگارش به دلیل تخصصی بودن درون‌مایه آن و فضای علمی حاکم بر آن کمتر از صنایع و فنون ادبی در آن استفاده‌شده است.
3. **نگارش قانونی:** این نوع از نگارش ناظر بر تنظیم روابط فردی، اجتماعی و حکومتی است و استفاده از صنایع ادبی مانند کنایه، استعاره و ... در این نوع از نگارش مرسوم نیست.

هرکدام از انواع نگارش علاوه بر وجوه مشترکه، اقتضائات خاص خود را دارند.

متون اخبار و روایات فقهیه از نوع نگارش سوم (نگارش قانونی) بوده و کمتر دستخوش مجاز، استعاره و ... شده‌اند و به‌سادگی اصول عقلائی در آن جریان دارد.

# 24- الأصل عدم تدخّل ظروف صدور النصّ الروائی و الشرائط الحافّه بالنصّ

جهت فهم مراد متکلم ممکن است کلام محفوف به قرائنی باشد، قرینه بر دو نوع است:

1. حالیّه: قرائن حالیّه از ارتکازات، احکام عقلی و عرفی و شرایط صدور نص نشأت می‌گیرد.
2. مقالیّه: قرائنی که در ضمن نص موجود است.

اصل در متون فقهی این است که شرایط صدور روایت در آن دخالتی ندارد و از کلام معصوم (ع) این انتظار است که ماندگار و ابدی باشد و چنانچه شرایط و اوضاع زمانه دخالتی در صدور روایت داشته، معصومین (ع) قید زده‌اند.

البته این بدان معنا نیست که در مقام استفراغ وسع، شأن نزول روایات نادیده گرفته شود بلکه به این معناست که با هر احتمال ضعیفی نمی‌توان نصوص را مقیّد کرد.